

## پزشکی هومیوپاتی؛ فلسفه شعور

دکتر مسعود ناصري (عضو برجسته علمي انستیتو و انجمن هومیوپاتی بریتانیا) در کتاب "يك" به نظریه جالب شعور به عنوان مقدمه ای برای معرفی پزشکی هومیوپاتی پرداخته و برای تئوری شعور کاربردهای جالبی از جمله یافتن تنه مشترك شاخه های عرفان، فلسفه، فیزیک، بیولوژی و پزشکی برشمرده که بخصوص برای افراد علاقه مند به فیزیک کوانتوم و معتقد به کلیت جهان، خیلی جذاب است.



دکتر تو این کتاب پزشکی هومیوپاتی رو به علم مستقل و کامل معرفی می کنه که می تونه بدون نیاز به پزشکی رایج بیماران رو مداوا کنه چرا که فلسفه این دو پزشکی کاملاً متضاد هستن و افرادی که تنها پزشکی هومیوپاتی رو تحصیل کردن در مداوا به این روش عملکرد بسیار بهتری نسبت به فردی دارن که هر دو طب رو تحصیل کردن. پزشکی هومیوپاتی در بسیاری از کشورها نظیر آمریکا، کانادا، استرالیا، نیوزلند، یونان، روسیه، هند، پاکستان و... قانونیه و رسمیت داره و حتی در کشورهایی مثل انگلستان تحت خدمات بیمه درمانی دولتی و لی هنوز در ایران وزارت بهداشت و درمان این پزشکی رو قانونی اعلام نکرده. برای معرفی این پزشکی، تعریف نظریه شعور لازمه و برای تعریف این نظریه، گذر از مسیر کوانتوم.

«نتیجه اتفاقاتی که در جهان اتمی می افتد متغیر است و بستگی دارد به اینکه آیا ناظری این اتفاقات را مشاهده می کند یا نه»

مثلاً ما اگه بخوایم رفتار یه ذره خیلی ریز رو مورد بررسی قرار بدیم باید این ذره رو زیر یه میکروسکوپ مشاهده کنیم و برای این کار لازمه به ذره نور بتابونیم تا دیده بشه و این نور (که

مجموعه ای از فوتون یا انرژی) به ذره انرژی منتقل می‌کند و ذره تحریک می‌شود، در نتیجه به احتمال زیاد ممکنه رفتاری غیر از رفتار عادی خودش نشون بده در صورتی که ما با دیدن این رفتار، در مورد این ذره و ذره های مشابه نتیجه گیری میکنیم.

یا مثل این می‌مونه که با نزدیک شدن یا رفتن به داخل یه کندوی زنبور عسل بخوایم رفتار عادیشون رو مشاهده کنیم ولی زنبورها با ورود ما تهییج می‌شن و رفتار طبیعی ندارن و ما فکر می‌کنیم رفتاری که دیدیم، رفتار طبیعیشونه.

در فیزیک نیوتونی جهان یک ماشینه که پیرو قوانین خاصی دقیقا مثل ساعت کار می‌کنه، چه انسانی باشه چه نباشه، و حال اینکه در فیزیک کوانتوم انسان هم جزئی از جهانیه، جزئی که وجودش در نحوه کار جهان رل مهمی بازی می‌کنه و لذا در تعریف نظم جهان کوانتومی اندیشه انسان اهمیت زیادی پیدا می‌کنه، وقتی صحبت از اندیشه باشه، بالطبع ذهن انسان وارد بحث میشه. بنابر این نظم جهان وقتی قابل بحثه که ذهن انسان رو هم در نظر بگیریم.

به همین دلیل بعضی دانشمندان کوانتوم عقیده دارن که جهان تا وقتی موجودیت داره که ناظری هم باشه تا اون رو نظاره کنه و در نتیجه جهان یعنی ذهن.

به قول مولانا:

ای برادر تو همان اندیشه ای/ ما بقی تو استخوان و ریشه ای

(ادامه دارد...)

نویسنده: فریده رسول نژاد